

هدف نبوت

جزء ١٧

الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ
وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ۗ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ

حج ٤١

○ مرتضى حيدري



اذِنَ لِلَّذِينَ يُقْتَلُونَ بِانْتِهَامِ ظُلْمِهِمْ أَنْ يَنْصُرُوهُمُ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدْ بَرَأَ
 اللَّهُ لِّلَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَغِيرَ حَقِّ آلَانٍ يَقُولُوا رَبَّنَا ^{٣٩}
 اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدِمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ
 وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا
 وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ^{٤٠} الَّذِينَ
 إِنْ مَكَّنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ
 وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ
 وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَثَمُودُ ^{٤١}
 وَقَوْمُ إِبْرَاهِيمَ وَقَوْمُ لُوطٍ ^{٤٢} وَأَصْحَابُ مَدْيَنَ وَكَذَّبَ مُوسَىٰ
 فَأَمَلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتَهُمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ^{٤٣}
 فَكَايِنٍ مِنْ قَرِيَّةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فِيهَا خَاوِيَةٌ
 عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَبِئْسَ مَعْطَلَةٌ وَقَصْرٍ مَشِيدٍ ^{٤٥} أَفَلَمْ يَسِيرُوا
 فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا
 فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ ^{٤٦}



حفظ كنيم



قرائت تحقيق



[اجازه جنگ و قیام داده شد به] ﴿الَّذِينَ إِذَا مَكَتَهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾ همان کسانی که اگر در زمین قدرت و حکومت به آنان بدهیم، ﴿أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ﴾ [در ابعاد همان قدرت و حکومتشان،] نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند. [به عبارت دیگر کارخانه انسان‌سازی راه می‌اندازند] ﴿وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ و [در ابعاد حکومتشان] به معروف و واجب امر کرده و از منکر و حرام، نهی می‌کنند [تا آن‌ها را ریشه‌کن کنند. این مستضعفان و مظلومان همان کسانی هستند که اگر صاحب حکومت شوند، همه تلاششان تحقق احکام الهی در جامعه است.] ﴿وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾ و سرانجام اتفاقات و امور [قضایای سیاسی و نبرد قدرت] فقط برای خداست و به دست اوست. [او تعیین می‌کند قدرت و حاکمیت سرانجام به این بندگان برسد و به آنان نیز مأموریت داده که از سوی خدا، «حاکمیت دین» را محقق نمایند.]



ببینیم



بشنویم



بیاموزیم

﴿الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا
بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ۗ وَاللَّهُ عَقِيبَةُ الْأُمُورِ﴾^۱

پیغمبران برای چه مبعوث می‌شوند؟ اولین پاسخی که داده می‌شود، این است که برای پیراستن بشر از رذایل و آراستن او به فضایل: ﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ ۖ وَزَكَّيَهُمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَنِي ضَلَّالٍ مُّبِينٍ﴾^۲.
سؤال مهم‌تر این است که:

انبیا برای پیراستن و آراستن مردم، از چه راهی استفاده کردند؟ چه کار کردند؟ آیا آمدند پیش مردم، دانه دانه گوش افراد را گرفتند؛ دست افراد را گرفتند؛ تنها بردند در خلوت خانه و صندوق خانه و مدرسه و مکتب، بنا کردند آنها را تعلیم و تربیت دادن؟! آیا انبیا مثل زاهدان و عارفان عالم نشستند در خانقاه خودشان تا مردم بیایند، حال معنوی آنها را ببینند و با آنها هم عقیده و همراه و همگام بشوند؟ آیا انبیا مثل فلاسفه عالم مدرسه باز کردند، تابلو زدند، دعوت هم کردند؛ هرکه می‌خواهد از ما حرف یاد بگیرد، بیاید اینجا پیش ما حرف یاد بگیرد؟! این جور بودند؟!^۳

نزاع بر سر این نیست که انبیا بیایند و بشر را به سمت صلاح و خوبی و درستی ببرند. این کار، هم مطلوب توده مردم است و هم می‌تواند مطلوب حاکمان ظالم و ستمگر نیز باشد. کدام حاکم از مردمی فرمان‌بر و درستکار که اهل تقوا بوده و اهل مکر و فریب نباشند، بدش می‌آید؟ برای چوپان، چه چیز بهتر از فرمانبری گوسفندان؟

۱. حج، آیه ۴۱. «همان کسانی که هرگاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند، و زکات می‌دهند، و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، و پایان همه کارها از آن خداست.»

۲. آل عمران، آیه ۱۶۴.

۳. طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، جلسه هفدهم، دسترسی در:



اساساً انبیا برای این آمده‌اند که مردم، فرمانبر فرمانروایان و ستمگران نباشند. دعوا بر سر این است که مردم را چطور باید ساخت و به سمت صلاح و سعادت برد؟ انبیا اهل تربیت انفرادی بودند؟ وضعیت مطلوبشان این بود که در گوش افراد، زمزمه‌های عارفانه کنند؟ دوست داشتند شاگردان، دورتادور خانه بنشینند و آنها از خدا و قبر و قیامت بگویند؟ انبیا برای تزکیه و تعلیم بشر، به ابزارهای کوچک و کم‌بهره اکتفا نمی‌کردند. انبیا برای هدف عالی خلقت، برنامه، فکر و طرحی بلند داشتند.

انبیا می‌گویند برای ساختن انسان باید محیط متناسب، محیط سالم، محیطی که بتواند او را در خود پیروانند، تربیت کرد و بس. انبیا می‌گویند دانه دانه نمی‌شود قالب گرفت؛ کارخانه باید درست کرد. انبیا می‌گویند: اگر بخواهیم ما یکی یکی آدمها را درست کنیم، شب می‌شود و عمر می‌گذرد؛ جامعه لازم است، نظامی لازم است. باید در منگنه یک نظام، انسان‌ها به شکل دلخواه ساخته بشوند و بس، فقط همین است و بس.^۱

در فضای عمومی اجتماع، آنچه بیشترین تأثیر را در روند حرکت اجتماع دارد، قدرت حاکم بر آن است. جمله مشهور «الْتَّائِسُ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ» نشان دهنده عمق تأثیرگذاری این عامل است. حکومت ستمگران توده مردم را به سمت دوزخ سوق می‌دهد: ﴿وَإِذْ يَتَحَاوُونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُعْتَدُونَ عَنَّا نَصِيبًا مِنَ النَّارِ﴾.^۲

آیا این عامل تأثیرگذار می‌تواند از اهتمام انبیا دور بماند؟ سرگذشت پیامبران به خوبی نشان‌دهنده این حقیقت است که انبیا در پی ساخت یک

۱. طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، جلسه هفدهم، دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=45589>

۲. غافر، آیه ۴۷. «ضعیفان به مستکبران می‌گویند: ما پیرو شما بودیم؛ آیا شما (امروز) سهمی از آتش را به جای ما پذیرا می‌شوید؟!»

جامعه متعالی بودند. امروزه این مسئله تا حدودی پذیرفته شده است. مسئله مهم بعدی این است که مشی انبیا برای ساخت این جامعه چگونه بوده است؟ آیا مانند الگوهای غربی نجات‌دهنده بشر بودند؟ همچون الگوی «سوپرمن» که با نیروی خارق‌العاده خود بشر را نجات می‌دهد؟ یا اینکه اساساً منش و مشی انبیا مغایر با این نوع الگوهاست؟ پیامبران الهی برای ساخت کارخانه انسان‌سازی، بر نیروی تمام‌نشدن بشر تکیه می‌کردند؛ نیرویی که خداوند متعال در نهاد بشر قرار داده و استفاده از آن را همچون فریضه‌ای قطعی از او درخواست نموده است. این‌گونه نبوده که پیامبران به تنهایی مشکلات را برطرف نمایند و بشر را از گرفتاری‌ها رهایی بخشند: «فَأَذْهَبَ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَتِيلًا إِنَّا هَهُنَا قَاعِدُونَ»^۱. از منظر قرآن، یک منطق مردود است: اینکه بشر توقع داشته باشد انبیا تمام مشکلات او را حل کنند. پیغمبر راه درست را نشان می‌دهد و مردم را در این مسیر صحیح راهبری می‌نماید. آنکه متن این حرکت است، خود مردم هستند که باید با صبر و تحمل، مشکلات مسیر را پشت سر بگذارند تا از این کوره‌گدازنده، موجود مستحکمی بیرون بیاید که ستمگران و ظالمان نتوانند با حربه‌های خود، آن‌ها را در خدمت اهدافشان به کار گیرند. به این آیه کریمه قرآن توجه کنید:

﴿يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُجِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^۲.

در این آیه، علاوه بر ترسیم حرکت کلی انبیا در مسیر انتشار معروف و پاکي، و از بین بردن منکر و پلیدی در جامعه و آزاد کردن بشر از زنجیرهای درونی و

۱. مانده، آیه ۲۴. «پس برو و به اتفاق پروردگارت با آنها بجنگید؛ ما اینجا خواهیم نشست!».

۲. اعراف، آیه ۱۵۷.

بیرونی او، سعادت‌مندان نیز معرفی شده‌اند.

سعادت‌مندان کسانی‌اند که به راه پیامبران ایمان بیاورند و آرمان آنها را محترم بشمارند و از لاک منافع شخصی خود بیرون آمده، در راه سعادت بشر، پیغمبران را یاری دهند. کسانی که آموزه‌های پیامبران را صرفاً بیاموزند، ولی در راه آن حرکت نکنند، به سعادت نخواهند رسید.

این هدف در آیه ۲۵ سوره حدید با صراحت بیشتری مطرح شده است:

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾^۱

ایستادگی مردم برای برپایی عدالت اجتماعی، هدف ارسال رسل و انزال کتب و میزان معرفی شده است. قطعاً برپایی عدالت بدون هزینه نخواهد بود. ستمگران در برابر این هدف ساکت نخواهند نشست. لذا آیه در ادامه می‌فرماید: ﴿وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ﴾. این مسیر، سخت و دشوار است و بدون سلاح و دست قدرتمند، به ثمر نخواهد نشست.

این میدان، عرصه غربال بشر است؛ میدانی است که بشر در آن عرصه ساخته می‌شود. این جاست که مشخص می‌شود چه کسانی برای اهداف انبیا حاضر به هزینه دادن هستند: ﴿وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ﴾. ساخته شدن و به سعادت رسیدن انسان، از پیچ و خم سختی‌ها می‌گذرد. رسیدن به مقصد عالی، بدون عبور از قله‌های صعب‌العبور، محاسبه‌ای غلط و خیالی بیش نیست. قرآن این محاسبه اشتباه را این‌گونه بیان می‌فرماید:

﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالصَّرَاءُ وَرُلُّوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصْرُ اللَّهِ أَلاَ إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ﴾^۲

۲. بقره، آیه ۲۱۴.

۱. حدید، آیه ۲۵.



البته روشن است که تشکیل حکومت به تنهایی مطلوب نیست؛ بلکه حکومت به عنوان عامل مهمی در جهت شکل‌دهی به اراده‌های بشر به سمت سعادت مورد توجه قرار می‌گیرد. در فلسفه سیاسی اسلام، حکومت مطلوب بالذات نیست. آیه قرآن به صراحت این معنا را بیان می‌دارد:

﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّهُمُ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا

عَنِ الْمُنْكَرِ وَرَبَّهُمْ عَقِبَهُ الْأُمُورِ﴾^۱. یاوران دین خدا کسانی هستند که اگر خداوند

در روی زمین به آنها تمکّن و اقتدار بدهد، نماز را اقامه می‌کنند. نه اینکه فقط

خودشان نماز بخوانند، نماز را در سطح جامعه اقامه می‌کنند و عَلم نماز و

ذکر خدا را بلند می‌کنند. هم چنین زکات می‌پردازند. یعنی این‌طور نیست که

وقتی حکومت به دست آوردند، به انباشت ثروت مشغول شوند و همانند

سرمایه‌داران رفتار کنند. به محرومان رسیدگی می‌کنند و در صدد از بین بردن

اختلاف طبقاتی در جامعه هستند. زکات می‌دهند تا با اموالشان به حکومت

الله بر روی زمین کمک برسانند. هم چنین امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند

تا سایر ابنای بشر را نیز در دایره حکومت الهی وارد نمایند؛ یعنی حکومت، ابزار

رسیدن بشر به معنویت و معیشت خدایسند و فرهنگ سالم است.

به صورت خلاصه هدف‌های طولی پیامبران را می‌توان این‌گونه بیان نمود:

هدف عالی انبیا رسیدن بشر به سعادت است که از طریق تشکیل محیط

و جامعه اسلامی محقق می‌شود و رسیدن به جامعه اسلامی را در قیام

اراده‌های انسان‌ها برای حاکمیت بخشیدن به حق دنبال می‌کنند. این، خط

تغییرناپذیر حرکت انبیای الهی است.

نهضت انقلابی ملت ایران، نقطه آغازی برای تحقق بخشیدن به اهداف

پیامبران الهی است. رهبر الهی این حرکت، با به خروش آوردن اراده مردم،

۱. حج، آیه ۴۱.

نظامی الهی پایه‌ریزی کرد تا در پرتو این نظام، تربیت انسان‌های صالح - که رهبر انقلاب از آن به «فتح الفتوح امام» تعبیر کردند - صورت گیرد. امام بزرگوار ما^{علیه السلام} به گفتن و نصیحت کردن و حرکت‌های کوچک اکتفا نکرد. او قدم در مسیری گذاشت که آغازگر و هدایت‌گر آن، انبیا عظام الهی بودند.

در طول تاریخ، علمای بزرگی بوده‌اند... کاری که این بزرگوار [امام^{علیه السلام}] انجام داد، از نوع کار انبیا بود، نه از نوع کارِ علما. اگرچه علما ورثه انبیا هستند، اما غیر از این بزرگوار، عالمی که توانسته باشد شأن وراثت را تحقق بخشد، نداشته‌ایم.^۱

این همان هدف عالی است که پیامبران برای آن مجاهدت کردند.

البته روشن است، زحمتی و خون‌دلی که برای ساختن محیط متناسب، انسان بایستی متحمل بشود، به مراتب بیشتر است از زحمتی که برای یک دانه نخل خرما، یک دانه اصله خرما، انسان متحمل می‌شود. آن زحمت خیلی بیشتر از این است؛ اما فایده‌اش را حساب کن. بازدهی‌اش را حساب کن. اینجا شما زحمت می‌کنی روی یک فرد، یک دانه آدم درست می‌کنی؛ آنجا یک جامعه درست می‌کنی؛ یک نظام درست می‌کنی. میلیون‌ها انسان، نسل‌ها بشر می‌سازی؛ انبیا کارشان این بود. این مطلبی که گفتم، از حرف‌هایی است که رویش ایستادیم؛ از حرف‌هایی است که رویش اصرار داریم و معتقدیم که باید پیروان نبوت‌ها این حرف را بفهمند. این مسئله‌ای است که باید روی آن تدبر کنید؛ به آسانی از رویش رد نشوید؛ به آیات قرآن مراجعه کنید؛ به تاریخ انبیا مراجعه کنید؛ به روایتی که در باب نبوت‌ها هست، مراجعه کنید؛ دقت کنید؛ تدبر کنید؛ نه زود قبول کنید، نه زود رد کنید. مطلب خیلی مهم است. همه

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۲/۲/۲۷ (به نقل از کتاب عبد صالح خدا، ص ۲۳ و ۲۴).



اشکال‌ها همین‌جا درمی‌آید. یک عده‌ای نمی‌توانند این را بفهمند که انبیا می‌خواستند محیط متناسب و مساعد درست کنند، خیال می‌کنند انبیا می‌خواستند دانه‌دانه آدم درست کنند! درحالی‌که دانه‌دانه آدم درست کردن از شأن انبیا به دور است.^۱



۱. طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، جلسه هفدهم، دسترسی در:

<https://manviat.ir/the-purposes-of-prophecy>